

## مراحل تاریخی تشکیل فرهنگ افغانی

سرزمین قدیم آریانا که شما لا از کرانه های سیر دریا و جنوباً تا ساحل بحیره عرب بحیث یک (واحد کلتوری) شمرده شد از ادوار قبل از تاریخ در حدود ۴ تا ۶ هزار سال قبل ازین دارای فرهنگی بود که با فرهنگهای مجاور خود مثلاً فرهنگ هر په و موهن جودارو (مجاری سند) و فرهنگهای قدیم ایران و ماورالنهر شباهتی داشت و پس از آن سرزمین منبع یا گذرگاه یا آمیزشگاه فرهنگها بوده است. برای آنکه این عملیه پیدایش یا آمیزش فرهنگها درین سرزمین نمودار کوچک و مشهور بیک نگاه داشته باشد شکلی در یک صفحه وضع گردید، دارای خطوط و امواج فرهنگی از داخل آریانا به خارج و از خارج بداخل آن قرار ذیل:

۱- فرهنگ قبل از تاریخ که خطوط آن به نقاط مسل نشانی شده و از جنوب تا شمال افغانستان و خاکهای مجاور آن دولم دارد از حدود ۶ هزار سال و دوره حجر که آثار این فرهنگ قبل از تاریخ پیش از پیدایش خط در وادی ارغنداب و سیستان و در وادیهای باختر و مروا لروود و غیره پدیدار است و برخی آثار اق کیروک و دره کور و هزار سم شمال هندوکش از ۳۲ تا ۵۰ هزار سال ق، م کهنگی دارند مربوط عصر قدیم حجر (سمنگ چقماق). فرهنگ ویدی: منسوبست به چهار کتاب وید، که آریا ثیان باختر و هند شمالی در حدود ۱۴۰۰ ق، م به سبک ترانه های قدیم سروده اند، و درین چهار وید افکار، عقاید روش زندگانی و مهاجرت های این مردم از خاکهای افغانستان به هند و بسا مشترکات لسانی بالسنه افغانی و نامهای قبایل و اماکن افغانی پدیدار است و بسا از خصایص این فرهنگ کهن سال از چهار وید بدست می آید.

۲- فرهنگ اوستایی: منسوبست به کتاب اوستا که از حدود ۱۲۰۰ ق، م آغاز و در صفحات بخدی (باختر) پهن و با جهش و ریفورم زرتشت و تبلیغ آیین مزدیسنا در حدود ۵۸۸ ق، م تکمیل میگردد. در نمودار کنونی آمیزش این فرهنگ را با سوابق ویدی آن نشان داده و سیر آن هر دو را به شرق (هند) و غرب (ایران) وانموده کرده ایم که در آنجا آمیزش آن با فرهنگ هخامنشی ایران هم دیده میشود (حدود ۵۱۲ ق، م).

۳- فرهنگ یونانی: بعد از این از سمت مغرب با لشکرکشی های اسکندر (۳۳۰-۳۲۶ ق، م) آثار فرهنگ و هنر و زبان یونانی در آریانا پهن میگردد و سلطنت مستقل یونانیان باختری مدت دو نیم قرن تا حدود (۱۰۰ ق، م) دوام دارد و در اینجا است که این فرهنگ علاوه بر اختلاط با فرهنگهای سابقه این سرزمین با فرهنگ دیگری که از سمت مشرق (هند) آمده است نیز می آمیزد بشرح ذیل :

۴- فرهنگ بودایی: ساکیامونی (دانشمند طایفه ساکیا) که بدهد یعنی منور نامیده شده بود، بعد از تاسیس و تبلیغ دین خود در هند شمالی در سال ۴۸۳ ق، م وفات یافت و آثار این دین جدید بافتوحات راجه آشوکا از خاندان حکمرانان موریا در خاک آریانا تا مجاری ارغنداب و سیده بود و کتاب او بزبان و رسم الخط آرامی و یونانی در قندهار موجود است که در سال ۲۵۰ ق، م برصخره کوهی کنده اند.

دین بودا در افغانستان فکر و فرهنگ قوی بوجود آورد و این پدیده شرقی هندی هم درینجا با فرهنگ یونانی در آمیخت که آنرا فرهنگ گریکو بودیک یا یونانی باختری گوئیم و درین همود از هم امتزاج آنرا با علامت جمع با فرهنگ غربی یونانی نشان داده ایم و همین فرهنگ مخلوط با سلسله یونانیان باختری تا مجاری جیلیم هم سیر داشته است. آثار بسیار مهم این فرهنگ از ناحیه هنری در سر تا سر آریانا پدیدار است.

۵- فرهنگ کوشانی: سیاسی یونانیان باختر در قرن اول ق، م با هجوم و گسترش قبایل بیابان گرد کوشان از سمت شمال آمو بیابان رسید ولی تاثیر فرهنگ و رسم الخط یونانی تا مدت نه قرن دوام کرد و چون کوشانیان از پار دریا، به طخار و باختر رسیدند، در اینجا مجموعه شگفتی از فرهنگهای مراحل تاریخی... سابقه بوجود آمد و با وسعت امپراتوری چهارمین بزرگ دنیای آنوقت در عصر کانیشکا با تمام مردم متمدن شرق و غرب تماس یافت و در مجموعه ایزدان (پیتون) آنوقت سی و سه ایزد آریانی و هندی و یونانی و رومی مربوط به ادیان مختلف از هند تا یونان و روم بر مسکوکات کوشانی بنظر می آید که وسعت افق کلتوری و فکری کوشانشهر را نشان میدهد.

هنر نیز درین دوره مجموعه شگفتی از اختلاط عناصر مختلف شرق و غربیست و ازین امتزاج و آمیزش کلتور خاص بوجود می آید که مظاهر آن در مبانی گوناگون زندگانی از السنه و هنر و ابنیه و افکار دینی و غیره نمایانست و بسمت مشرق (هند) هم سیر آنرا با خط نقط دار خاص می بینند..

فرهنگ ساسانی در پنج قرن نخستین میلادی کوشانیان بزرگ و کوچک و بقایای شهزادگان آن در اراضی مرکزی آریانا با کلتور خاص که پدید آورده اند در حالی موجود بودند که از سمت غرب با پیشرفتهای شهنشاهان ساسانی و بسط فرهنگ و هنر ساسانیان روبرو بودند، و این کلتور هم کم و بیش

با مبادي فرهنگهاي سابقه در مي آميخت.

۶- فرهنگ يفتلي: در حدود ۴۲۵ م قبایل سپيد رنگ آريايي نژادي که هونان سپيد (افتها لیت خيون هياطله) ناميده شده اند از اراضي آسياي مرکزي شمال آمو بر راه کوشانيان به باختر و تخار گذشته و تمام افغانستان را گرفتند و با ساسانيان جنگيدند و در هند شمالي تا دره هاي کشمير پيش رفتند. آثار فرهنگ مرکب اين دوره در السنه و ادبيات و فرهنگ افغانستان به قيمت و بسط انرا مراحل تار و کشمير در نمودار با خطي نشان داده ايم.

فرهنگ اسلامي: در نصف اول قرن هفتم ميلادي عساکر فاتح اسلامي عرب با هديه قران عظيم و دين مبين اسلام به افغانستان وارد شدند و فرهنگ قوي و سالم نوي را با خود آوردند. که درينجا با بقايي فرهنگهاي تاريخي سابقه مواجه گرديد. اين فرهنگ جديد توحيد، بقايي مشرکانه فرهنگهاي قديم را از بين برد، و اثرهاي عميق السنه و ادبيات و ضروريات محيطي خراساني را در خود دخيل ساخت که در نمودار با خط پره داري از سمت غرب نشان داده شده است

فرهنگ خراساني اين فرهنگي است اسلامي خراساني که از اوایل اسلام تا کنون مدت ۱۴۰۰ سال دوام دارد و از همين سر زمين بهمت افغانان مجاهد تا نهايت هند بسط يافته است و در نمود از کنوني هم سير آنرا با خط مخصوص طويلي تا نهايات سمت شرقي نشان داده ايم و اين فرهنگ خراساني افغاني خصايصي در هنر، افکار اصول معاشرت و تمام وريدادها و پديده هاي فرهنگي دارد که شکل و تفرعات انرا در قسمت پايين نمودار ديده ميتوانيد و فهم و پرورش و تشخيص مبادي (مطابق احتياجات اجتماعي کنوني) وظيفه مقامات پرورنده کلتوريست.